

## قانون اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری

مصوب ۱۳۹۴/۳/۲۴

### درباره‌ی قانون

«طرح اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری»، ابتدا با عنوان «طرح تمدید مهلت اجرای قانون آیین دادرسی کیفری و اصلاح مواد از آن» توسط تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، در راستای رفع برخی از ایرادات قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ تقدیم مجلس شد. در مقدمه‌ی توجیهی این طرح، ضرورت ارائه‌ی این طرح چنین بیان شده است: حسب اعلام مسئولان قضایی به ویژه رؤسای کل دادگستری استان‌ها و دادستان‌ها، مبنی بر وجود مشکلات و موانع جدی در زمینه‌ی اجرای قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ مجلس شورای اسلامی و انعکاس موضوع به کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس، موضوع توسط اعضای این کمیسیون در جلسه‌ی مشترکی با حضور رئیس محترم قوه‌ی قضائیه و بعضی از معاونان ایشان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که با توجه به ایرادات مشروحه‌ی زیر به نظر می‌رسد، برای رفع موانع اجرایی قانون، تمدید مهلت اجرای قانون و اصلاح موادی از آن ضروری است و الا اجرای قانون مذکور با مشکلات عدیده‌ای مواجه خواهد شد.

ایرادات:

۱- صلاحیت و ترکیب اعضای شعب دادگاه‌های کیفری یک و دادگاه انقلاب به موجب مواد (۲۹۶) الی (۳۰۶) قانون آیین دادرسی کیفری جدید به نحوی مقرر گردیده که اولاً به لحاظ افزایش صلاحیت این دادگاه نسبت به دادگاه‌های کیفری مرکز استان‌ها در قانون فعلی، مستلزم تشکیل تعداد زیادی شعب دادگاه کیفری یک در استان‌ها و شهرستان‌های کشور می‌باشد. ثانیاً تعدد قاضی در شعب این دادگاه به لحاظ ترکیب سه نفره‌ی آن موجب می‌شود برای تشکیل و استقرار شعب این دادگاه در حوزه‌های قضایی استان‌ها و شهرستان‌ها تعداد زیادی قضاات واجد شرایط تأمین شود که با توجه به میزان کمی و کیفی قضاات موجود، تدارک آن به سادگی و در این فرصت کوتاه ممکن نمی‌باشد. همچنین تشکیل دادگاه‌های انقلاب اسلامی با ترکیب سه نفره برای رسیدگی به جرائمی که در صلاحیت دادگاه مذکور است و ترکیب سه نفره برای شعب دادگاه‌های اطفال که تشکیل این دادگاه‌ها مستلزم تخصیص تعداد خیلی بیشتر قاضی نسبت به دادگاه‌های فعلی خواهد بود. ثالثاً با توجه به مفاد ماده (۴۲۸) قانون مذکور، قلمرو صلاحیت دیوان عالی کشور به عنوان رسیدگی فرجامی و یا مرجع تجدیدنظرخواهی در قانون جدید افزایش چشمگیری یافته است، به حدی که برآورد می‌شود شعب دیوان عالی کشور فعلی به دو برابر افزایش یابد که افزایش این تعداد شعب در دیوان عالی کشور مستلزم تعداد زیادی قاضی واجد شرایط خواهد بود. همچنین کادر اداری و دفتری واجد شرایط که با توجه به آمار قضاات و کارکنان موجود دستگاه قضایی واقعاً ایجاد شعب لازم دادگاه‌ها و دیوان عالی کشور و به همین نسبت، واحدهای پشتیبانی، تأمین بودجه و امکانات لازم در حال حاضر ممکن نیست. در نتیجه اصلاح مواد مربوط به تشکیلات و صلاحیت و ترکیب مراجع یادشده و پیش‌بینی فرصت بیشتری برای اجرای قانون مذکور امری اجتناب‌ناپذیر است.

۲- محدود شدن اختیار دادستان در امر تحقیق مقدماتی به موجب ماده (۹۲) قانون آیین دادرسی کیفری جدید و افزایش وظایف بازپرس موجب می‌شود اولاً تعداد شعب بازپرسی حداقل به دو برابر شعب فعلی افزایش یابد تا جوابگوی تکالیف مقرر در این قانون باشد. ثانیاً این امر مستلزم تأمین قضاات واجد شرایط می‌باشد که تأمین این تعداد قضاات با سابقه و مجرب توسط قوه‌ی قضائیه در حال حاضر میسر نمی‌باشد. در حال حاضر، تحقیقات مقدماتی پرونده‌های سبک و کم اهمیت توسط دادستان و دادیاران انجام می‌شود و بخش قابل ملاحظه‌ای از این پرونده‌ها که بیشتر جنبه‌ی کمی دارند نه کیفی به این نحو رسیدگی و منجر به اتخاذ تصمیم می‌شود و معمولاً پرونده‌های با اهمیت به شعب بازپرسی ارجاع می‌شود. بنابراین، اصلاح ماده‌ی مذکور ضروری و تأثیرگذار خواهد بود.

۳- به موجب ماده (۹۸) این قانون، بازپرس نمی‌تواند انجام تحقیقات مقدماتی و جمع‌آوری ادله‌ی وقوع جرم، تفتیش و تحقیق از شهود و مطلعین، جمع‌آوری اطلاعات وقوع جرم، اقدام برای کشف جرم، جرائم سنگین و با اهمیت را به ضابطان محول کند و تنها

می‌تواند انجام اقدامات فوق در مورد جرائم ساده و کم اهمیت را به ضابطان ارجاع دهد؛ در حالی که جرائمی مانند قتل عمد یا جرائم منجر به نقص عضو یا جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی، سرقت‌های مهم، جرائمی مثل کلاهبرداری، اختلاس، ارتشاء، اخلال در نظام اقتصادی، جرائم بانندی، قاچاق سلاح و مهمات، مواد مخدر و آدم‌ربایی، پول‌شویی، افساد فی الارض، محاربه و مانند اینها که کشف و تعقیب آن نیاز به همکاری جدی ضابطان به ویژه نیروی انتظامی دارد یا در جرائمی مانند جاسوسی، جرائم علیه امنیت و حاکمیت کشور که لازم است از امکانات، تجربه و تخصص نیروهای اطلاعاتی و امنیتی استفاده شود. به موجب این ماده بازپرس از استفاده و همکاری میدانی و اطلاعاتی نیروهای ضابط محروم شده است؛ در حالی که بازپرس هیچ وقت و به تنهایی و بدون همکاری ضابطان قادر به کشف جرائم مهم و پیچیده نبوده و نخواهد بود. وجود این مشکلات عدیده و موانع جدی در اجرای وظایف دادسرا و دادگاه‌ها ایجاد می‌کند، اصلاح این ماده و مرتفع نمودن موانع یادشده اجتناب‌ناپذیر است.

۴- ماده (۱۰۲) قانون مورد بحث مقرر کرده ممنوعیت تعقیب و تحقیق جرائم منافی عفت یا سازمان‌یافته واقعاً به مصلحت، عدالت و امنیت جامعه و مردم نیست اگر این حکم قانونی به مرحله‌ی اجراء برسد بدون تردید بستر وقوع جرائم مذکور و مفاسد و ترغیب و تشویق تبهکاران و نابهنجاری‌ها را فراهم می‌کند که تبعات آن ناخوشایند و بلکه جبران‌ناپذیر خواهد بود. همچنین مواد دیگری از قانون یادشده در طرح اصلاحی ذکر خواهد شد.

بنابراین اولاً اصلاح موادی از قانون مذکور قبل از لازم‌الاجراء شدن آن ضرورت دارد و بلکه اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. ثانیاً اجرای این قانون مستلزم تأمین نیرو و امکانات لازم است که بخشی از آن مانند قضات واجد شرایط و کارکنان دفتری و اداری باتجربه، به سادگی و در مدت زمان کوتاه میسر نخواهد بود. در نتیجه لازم است مدت اجرای قانون حداقل یک سال دیگر تمدید گردد تا مقدمات اجرای آن فراهم شود. در مجموع با توجه به مراتب فوق «طرح تمدید مهلت اجرای قانون آیین دادرسی کیفری و اصلاح موادی از آن» ارائه می‌شود.

این طرح در تاریخ ۱۳۹۳/۵/۲۹ برای بررسی و تصویب به صورت آزمایشی به کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی به عنوان کمیسیون اصلی ارجاع شد که این کمیسیون با برگزاری جلسات متعدد در نهایت، طرح مذکور را در تاریخ ۱۳۹۴/۳/۵ با اصلاحاتی در عنوان و متن به تصویب رساند و گزارش آن را به مجلس ارائه کرد. رئیس مجلس نیز این مصوبه را برای طی روند قانونی مذکور در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۰/۱۶۹۴۹ مورخ ۱۳۹۴/۳/۱۲ به شورای نگهبان ارسال کرد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۴/۳/۲۰ خود، مفاد آن را در مواردی مبهم و بعضی از مواد آن را مغایر با اصول قانون اساسی تشخیص داد و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۴/۱۰۲/۱۱۸۹ مورخ ۱۳۹۴/۳/۲۰ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس، رفع ایرادهای شورای نگهبان را سرانجام در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۴/۳/۲۴ به پایان رساند و اصلاحات لازم را در این مصوبه اعمال کرد. مصوبه‌ی اصلاحی طی نامه‌ی شماره ۵۰۰/۲۰۷۲۹ مورخ ۱۳۹۴/۳/۲۷ برای اظهار نظر مجدد به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی مصوبه‌ی اصلاحی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۴/۳/۲۷، ایرادهای پیشین خود را برطرف شده دانست و نظر خود مبنی بر مغایرت نداشتن مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۴/۱۰۲/۱۳۹۰ مورخ ۱۳۹۴/۳/۲۷ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

---

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۴/۳/۵ (مرحله نخست)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۴/۳/۲۰

ماده ۲- تبصره (۲) ماده (۱۳) قانون<sup>۱</sup> به شرح زیر اصلاح می‌شود:

---

۱. ماده (۱۳) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۳- ... تبصره ۲- هرگاه مرتکب جرم پیش از صدور حکم قطعی مبتلا به جنون شود، تا زمان افاقه، تعقیب و دادرسی متوقف می‌شود؛ مگر آنکه ادله اثبات جرم به نحوی باشد که فرد در حالت افاقه نیز نمی‌توانست از خود رفع اتهام کند. در این صورت به ولی یا قیم وی ابلاغ می‌شود که ظرف مهلت پنج روز نسبت به معرفی وکیل اقدام نماید. در صورت عدم معرفی، صرف‌نظر از نوع جرم ارتكابی و میزان مجازات آن، وفق مقررات برای وی وکیل تسخیری تعیین

تبصره ۲- هرگاه مرتکب جرم پیش از صدور حکم قطعی، مبتلا به جنون شود تا زمان افاقه، تعقیب و دادرسی متوقف می‌شود؛ مگر آنکه در جرائم حق‌الناسی، ادله اثبات جرم به نحوی باشد که فرد مجنون یا فاقد هوشیاری در حالت افاقه نیز نمی‌توانست از خود رفع اتهام کند. در این صورت به ولی، قیم یا سرپرست قانونی وی ابلاغ می‌شود که ظرف مدت پنج روز نسبت به معرفی وکیل اقدام نماید. در صورت عدم معرفی، صرف‌نظر از نوع جرم ارتكابی و میزان مجازات آن، وفق مقررات برای وی وکیل تسخیری تعیین می‌شود و تعقیب و دادرسی ادامه می‌یابد.

## دیدگاه مغایرت

**الف)** تبصره (۲) این ماده به طور مطلق مقرر داشته است که در صورتی که مرتکب جرم پیش از صدور حکم قطعی مجنون شود، تا زمان افاقه، تعقیب و دادرسی متوقف می‌شود. اگرچه در ادامه‌ی ماده، جرائم حق‌الناسی از این حکم استثنا شده است، لیکن بر اساس فتوای حضرت امام خمینی (ره)،<sup>۲</sup> در کلیه‌ی جرائم حدی، اعم از جرائم دارای جنبه‌ی حق‌الناسی و جنبه‌ی حق‌اللهمی، عروض جنون مانع از دادرسی و اجرای حدی نخواهد شد که در حال سلامت عقل بر شخص واجب شده است. بنابراین، از آنجا که اطلاق حکم مقرر در صدر این تبصره مبنی بر تأخیر تعقیب و دادرسی تا زمان افاقه‌ی مجنون، شامل جرائم حدی نیز می‌شود، این تبصره مغایر با موازین شرع است.

**ب)** از نظر شرعی، مجنون نه خود می‌تواند وکیل بگیرد نه دیگری می‌تواند برای وی وکیل تعیین کند؛ بلکه انجام امور مربوط به مجنون به ولی او سپرده شده است. البته این موضوع بدین معنا نیست که مباشرت ولی مجنون در انجام امور موکلی علیه لازم است، بلکه ولی می‌تواند شخص دیگری را وکیل خود قرار دهد تا نسبت به انجام کارهای موکلی علیه اقدام کند. بدیهی است در این موارد آن شخص وکیل ولی است نه وکیل مجنون؛ این در حالی است که مستفاد از تبصره (۲) این ماده آن است که چنین شخصی، وکیل مجنون است. بنابراین، حکم به تعیین وکیل برای مجنون در این تبصره دارای اشکال است.

**ج)** ذکر عبارت «در حالت افاقه» در عبارت «مگر آنکه در جرائم حق‌الناسی، ادله اثبات جرم به نحوی باشد که فرد مجنون یا فاقد هوشیاری در حالت افاقه نیز نمی‌توانست از خود رفع اتهام کند» صحیح نیست؛ زیرا آنچه این ماده مد نظر دارد این است که فرد مجنون اگر عاقل بود نیز نمی‌توانست از خود رفع اتهام کند، نه اینکه اگر بعداً افاقه پیدا کرد، نتواند از خود دفاع کند. بر این اساس، در این ماده باید به جای عبارت «در حالت افاقه» از عبارت «در فرض افاقه» استفاده شود تا این اشکال عبارتی برطرف شود.

## دیدگاه عدم مغایرت

**الف)** حکم تبصره (۲) این ماده مبنی بر توقف تعقیب و دادرسی تا زمان افاقه‌ی مجنون، مغایرتی با فتوای حضرت امام خمینی (ره) ندارد؛ زیرا مستفاد از عبارت «... فَإِنْ أُوجِبَ عَلَي نَفْسِهِ الْحَدَّ...» در تحریرالوسیله آن است که فرد، عملی را انجام داده است که موجب حد است، نه اینکه آن حد در دادگاه ثابت شده باشد. از این رو، فتوای حضرت امام (ره) مبنی بر وجوب اجرای حد بر مجنون، اساساً مربوط به جایی است که جنون پس از اثبات حد و صدور حکم بر فرد عارض شده است و شامل حدوث جنون قبل از صدور حکم نمی‌شود؛ لذا در موارد حدوث جنون قبل از رسیدگی و صدور حکم، می‌توان تعقیب و دادرسی را به تأخیر انداخت.

می‌شود و تعقیب و دادرسی ادامه می‌یابد.»

۲. «لا يسقط الحد باعتبار الجنون أو الارتداد، فإن أوجب على نفسه الحد وهو صحيح لا علة به من ذهب عقل ثم جن أقيم عليه الحد رجماً أو جلداً، ولو ارتكب المجنون الأذى ما يوجبه فدور افاقته وصحته أقيم عليه الحد ولو فدور جنونه، ولا ينتظر به الإفاقة، ولا فرق بين أن يحبس بالأثم حال الجنون أو لا.» (موسوی خمینی، سید روح‌الله، تحریرالوسیله، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، چاپ اول، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۶۵) «حد با عارض شدن دیوانگی یا ارتداد، ساقط نمی‌شود؛ پس اگر بر خودش حدی واجب کرد در حالی که صحیح است و مرضی از رفتن عقل در او نباشد سپس دیوانه شود حد بر او اقامه می‌شود - رجم باشد یا جلد - و اگر دیوانه ادواری در وقت افاقه و سحتش، مرتکب چیزی شود که موجب حد شود حد بر او اقامه می‌شود ولو در حال دیوانگی او باشد و انتظار افاقه‌ی او نمی‌شود؛ و بین اینکه در حال دیوانگی درد را احساس بکند یا نه، فرق نمی‌کند.» (موسوی خمینی، سید روح‌الله، تحریرالوسیله، ترجمه‌ی علی اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۴، ص ۱۹۱)

بنابراین، از آنجا که در این تبصره، حکم به تعویق دادرسی تا زمان افاقه‌ی مجنون مربوط به حدوث جنون قبل از صدور حکم قاضی است، این تبصره مغایرتی با موازین شرعی ندارد. گفتنی است مفاد این تبصره قبلاً در تبصره (۱) ماده (۱۵۰) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲<sup>۳</sup> نیز ذکر شده بود و شورای نگهبان آن تبصره را دارای اشکال ندانسته بود.

**ب)** حکم به تعیین وکیل برای مجنون در این تبصره با اشکالی مواجه نیست؛ زیرا گرچه از نظر شرعی، امر مجنون به دست ولی او سپرده شده است، ولی این بدین معنا نیست که مباشرت ولی برای انجام کارهای مجنون لازم است، بلکه ولی می‌تواند برای انجام تمام یا بعضی از امور موکلی علیه، وکیل تعیین کند. در همین راستا تبصره‌ی مذکور نیز مقرر کرده است در صورتی که ولی مجنون ظرف مدت پنج روز نسبت به معرفی وکیل اقدام نکند، حاکم به عنوان ولی برای وی وکیل تسخیری تعیین می‌کند.

**ج)** وکیلی که طبق این تبصره تعیین می‌شود، وکیل از طرف مجنون نیست تا گفته شود نمی‌توان برای مجنون کسی را به‌عنوان وکیل وی تعیین کرد، بلکه وکیل برای دفاع از مجنون است که به عنوان وکلای دادگستری شناخته می‌شوند. بنابراین، حکم مقرر در این تبصره مبنی بر تعیین وکیل برای مجنون توسط ولی یا دادگاه با اشکالی مواجه نیست.

### نظر شورای نگهبان

– ماده (۲)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.  
– تذکر: در ماده (۲) موضوع اصلاح تبصره (۲) ماده (۱۳)، عبارت «در حالت» به «به فرض» و «نمی‌توانست» به «تواند» تبدیل شود.

ماده ۴- به انتهای تبصره ماده (۴۸) قانون، عبارت زیر اضافه می‌شود:

«در جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی و همچنین جرائم سازمان‌یافته که مجازات آنها مشمول ماده (۳۰۲) این قانون است، در صورت ضرورت به پیشنهاد بازپرس و تأیید دادستان، تحقیقات مقدماتی بدون حضور وکیل انجام می‌شود. قرار صادره در این خصوص ظرف مهلت ده روز قابل اعتراض در دادگاه صالح رسیدگی‌کننده به اصل اتهام است.»

### دیدگاه مغایرت

**الف)** بر اساس اصل (۳۵) قانون اساسی، حق داشتن وکیل در دادگاه یکی از حقوق مسلم افراد دانسته شده است. این در حالی است که طبق تبصره‌ی الحاقی موضوع این ماده، در جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی و نیز جرائم سازمان‌یافته، تحقیقات مقدماتی بدون حضور وکیل انجام می‌شود. اگرچه در اکثر کشورها در خصوص جرائم علیه امنیت به دلیل رعایت مسائل امنیتی معمولاً ملاحظاتی وجود دارد، لیکن در جرائم سازمان‌یافته دلیلی بر عدم حضور وکیل برای انجام تحقیقات مقدماتی وجود ندارد. بنابراین، حکم مقرر در ذیل این تبصره مبنی بر انجام تحقیقات مقدماتی بدون حضور وکیل حداقل در جرائم سازمان‌یافته مغایر با اصل (۳۵) قانون اساسی است. گفتنی است طبق تبصره‌ی قبلی ماده (۴۸) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در جرائم سازمان‌یافته و جرائم علیه امنیت امکان دسترسی متهم به وکیل صرفاً تا یک هفته ممنوع شده بود که با توجه به کفایت محدودیت یک هفته‌ای

۳. ماده (۱۵۰) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۵۰- ...

تبصره ۱- هرگاه مرتکب یکی از جرائم موجب حد پس از صدور حکم قطعی دچار جنون شود حد ساقط نمی‌شود. در صورت عارض شدن جنون قبل از صدور حکم قطعی در حدودی که جنبه حق‌اللهی دارد، تعقیب و محاکمه تا زمان افاقه به تأخیر می‌افتد. نسبت به مجازات‌هایی که جنبه حق‌الناسی دارد، مانند قصاص و دیه و همچنین ضرر و زیان ناشی از جرم، جنون مانع از تعقیب و رسیدگی نیست.»

۴. ماده (۴۸) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۴۸- ...

تبصره- اگر شخص به علت اتهام ارتکاب یکی از جرائم سازمان‌یافته و یا جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، سرقت، مواد مخدر و روان‌گردان و یا جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب) و (پ) ماده (۳۰۲) این قانون، تحت نظر قرار گیرد، تا یک هفته پس از شروع تحت نظر قرار گرفتن امکان ملاقات با وکیل را ندارد.»

برای ملاقات با وکیل، اساساً نیازی به اصلاح این تبصره نبوده است.

ب) مطابق اطلاق اصل (۳۵) قانون اساسی، حق داشتن وکیل در دادگاه، حق همه‌ی افراد و در همه‌ی پرونده‌ها است؛ حال آنکه تبصره‌ی الحاقی موضوع این ماده انجام تحقیقات مقدماتی در جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی و نیز جرائم سازمان‌یافته را بدون حضور وکیل دانسته است. بنابراین، حکم مقرر در ذیل این تبصره مبنی بر انجام تحقیقات مقدماتی بدون حضور وکیل، مغایر با اطلاق اصل (۳۵) قانون اساسی است. ممکن است گفته شود حضور وکیل در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی این دسته از جرائم مغایر با مصالح امنیتی است که برای رفع این محذور، قوه‌ی قضائیه می‌تواند از بین وکلا، افراد مورد اطمینان و دارای شرایط خاص را مشخص کند تا متهمین این جرائم بتوانند صرفاً از آنان برای دفاع از خود استفاده کنند. همچنین در نقد این استدلال که موضوع این اصل صرفاً داشتن وکیل در «دادگاه» است نه «دادسرا» و از آنجا که مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی مربوط به دادسرا است نه دادگاه، حکم این تبصره اساساً ارتباطی با اصل فوق‌الذکر ندارد می‌توان گفت که دادسرا همواره در معیت دادگاه است و با عنایت به اینکه اساساً عمده‌ی محتویات یک پرونده در دادسرا آماده می‌شود، دادسرا نیز جزئی از دادگاه محسوب می‌شود. ضمن آنکه عمده‌ی مشکل مردم ناظر به چگونگی تهیه‌ی ادله‌ی اثبات جرم و تکمیل پرونده‌ی مقدماتی است که مربوط به مرحله‌ی دادسرا است؛ لذا در این مرحله نیاز به داشتن وکیل عینی و محسوس تر است. بر این اساس، مراد از «دادگاه» در اصل (۳۵) قانون اساسی، صرف مرحله‌ی دادرسی نیست، بلکه شامل تمامی مراحل رسیدگی به پرونده از جمله مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی نیز می‌شود. این موضوع به وضوح از مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی در خصوص این اصل نیز قابل برداشت است.

#### دیدگاه عدم مغایرت

الف) حکم مقرر در ذیل این تبصره مبنی بر انجام تحقیقات مقدماتی در جرائم سازمان‌یافته بدون حضور وکیل مغایر با اصل (۳۵) قانون اساسی نیست؛ زیرا این اصل بر حق داشتن وکیل در «دادگاه» تأکید می‌کند و از آنجا که مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی مربوط به دادسرا است نه دادگاه، حکم این تبصره اساساً ارتباطی با اصل فوق‌الذکر نخواهد داشت.

ب) از آنجا که جرائم سازمان‌یافته در زمره‌ی جرائم مهم تلقی می‌شود، قانون‌گذار قصد داشته است در مواردی که ضرورت ایجاب می‌کند، به تشخیص بازپرس و تأیید دادستان مرتکبین این جرائم از دسترسی به وکیل محروم باشند. بنابراین، از آنجا که اولاً ممنوعیت داشتن وکیل در این مرحله الزامی دانسته نشده است، بلکه این موضوع به اختیار بازپرس و دادستان واگذار شده است و ثانیاً این موضوع محدود به وجود ضرورت و مصلحت ملزمه شده است، نمی‌توان محرومیت از داشتن وکیل در این دسته از جرائم را مغایر با اصل (۳۵) قانون اساسی دانست.

#### نظر شورای نگهبان

ماده (۴) موضوع اصلاح ماده (۴۸)، مغایر اصل (۳۵) قانون اساسی است.

ماده ۵- ماده (۶۶) قانون و تبصره (۱) آن،<sup>۵</sup> به شرح زیر اصلاح و تبصره‌های (۲) و (۳) آن ابقاء می‌شود:

ماده ۶۶- سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آنها در زمینه حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و دارای

---

۵. ماده (۶۶) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۶۶- سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آنها درباره حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و ناتوان جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی جهت اقامه دلیل شرکت و نسبت به آراء مراجع قضایی اعتراض نمایند.

تبصره ۱- در صورتی که جرم واقع شده دارای بزه‌دیده خاص باشد، کسب رضایت وی جهت اقدام مطابق این ماده ضروری است. چنانچه بزه‌دیده، طفل، مجنون و یا در جرائم مالی، سفیه باشد، رضایت ولی یا سرپرست قانونی او اخذ می‌شود. اگر ولی یا سرپرست قانونی، خود مرتکب جرم شده باشد، سازمان‌های مذکور با اخذ رضایت قیّم اتفاقی یا تأیید دادستان، اقدامات لازم را انجام می‌دهند. ...»

ناتوانی جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند. تبصره ۱- در صورتی که جرم واقع شده دارای بزه‌دیده خاص باشد، کسب رضایت وی جهت اقدام مطابق این ماده ضروری است. چنانچه بزه‌دیده، طفل، مجنون یا در جرائم مالی سفیه باشد، رضایت ولی، قیم یا سرپرست قانونی او اخذ می‌شود. اگر ولی، قیم یا سرپرست قانونی، خود مرتکب جرم شده باشد، سازمان‌های مذکور با اخذ رضایت قیم اتفاقی یا تأیید دادستان، اقدامات لازم را انجام می‌دهند.

### دیدگاه مغایرت

**الف)** مستفاد از اطلاق عبارت «جرائم ارتكابی» در این ماده آن است که سازمان‌های مردم‌نهاد حتی در جرائم منافی عفت نیز می‌توانند در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند؛ حال آنکه تجویز حضور این افراد در جرائم منافی عفت در بسیاری از موارد موجب اشاعه‌ی فحشا و از بین رفتن عرض و آبروی اشخاص خواهد شد. بر همین مبنا بوده است که طبق ماده (۳۰۶) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲<sup>۶</sup> رسیدگی و تحقیق در مورد این جرائم بدون نیاز به دادسرا، به طور مستقیم توسط دادگاه انجام می‌شود؛ لذا در جایی که قانون‌گذار حتی ورود مقامات دادسرا به موضوع را ممنوع کرده است، تجویز شرکت سازمان‌های مردم‌نهاد در کلیه‌ی مراحل دادرسی از جمله مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی، با اشکال مواجه خواهد بود. بنابراین، با توجه به حرمت شرعی اشاعه‌ی فحشا و لزوم حفظ حرمت آبروی افراد، اطلاق حکم این ماده مبنی بر حضور سازمان‌های مردم‌نهاد در تمام مراحل دادرسی در خصوص جرائم منافی عفت مغایر با موازین شرعی است.

**ب)** این ماده به طور مطلق حضور سازمان‌های مردم‌نهاد در تمامی مراحل دادرسی جرائم موضوع این ماده از جمله جرائم منافی عفت را بلا مانع دانسته است. این در حالی است که طبق ذیل اصل (۱۶۵) قانون اساسی، رسیدگی به جرائم منافی عفت یا محاکمات مخل نظم عمومی در صورت صلاحدید قاضی دادگاه، به صورت غیر علنی و بدون حضور سایر افراد انجام می‌شود. بنابراین، با توجه به اینکه اطلاق حکم این ماده مبنی بر امکان حضور سازمان‌های مردم‌نهاد در تمام مراحل دادرسی شامل شرکت در جلسات مزبور نیز می‌شود، اطلاق این ماده از حیث ایجاد محدودیت برای صلاحیت‌های دادگاه، مذکور در اصل (۱۶۵) قانون اساسی، مغایر با این اصل است.

### دیدگاه عدم مغایرت

منظور ماده‌ی مزبور از شرکت سازمان‌های مردم‌نهاد در تمام مراحل دادرسی، مواردی از محاکمات است که به صورت علنی برگزار می‌شوند. به بیان دیگر، مواردی همچون جرائم منافی عفت که دادگاه، محاکمات آن را غیر علنی تشخیص دهد، منصرف از این ماده است و این سازمان‌ها نمی‌توانند در آن شرکت کنند. بر این اساس، این ماده اطلاق ندارد و محاکماتی که طبق قانون، غیر علنی باشند را شامل نمی‌شود. لذا این ماده از این جهت، مغایرتی با موازین شرعی ندارد. همچنین این ماده، صلاحیت‌های دادگاه، مذکور در اصل (۱۶۵) قانون اساسی، یعنی صلاحیت غیر علنی برگزار کردن جلسات دادرسی مربوط به جرائم منافی عفت را نیز محدود نمی‌سازد و لذا مغایر با این اصل نیز نخواهد بود. از سوی دیگر، طبق تبصره (۱) همین ماده، در صورتی که جرم واقع شده دارای بزه‌دیده‌ی خاص باشد، حضور سازمان‌های مذکور در مراحل دادرسی این جرائم مشروط به کسب رضایت از بزه‌دیده یا ولی وی است؛ لذا بزه‌دیده یا ولی او می‌تواند در مواردی همچون جرائم منافی عفت که آبروی خود را در خطر می‌بینند، از دادن رضایت خودداری کنند. لذا از این حیث نیز این ماده دارای اطلاق نیست و مغایر با موازین شرعی نخواهد بود.

### دیدگاه ابهام

۶. ماده (۳۰۶) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۳۰۶- به جرائم زنا و لواط و سایر جرائم منافی عفت به طور مستقیم، در دادگاه صالح رسیدگی می‌شود.»

**الف)** در این ماده معلوم نیست آیا حکم به جواز شرکت در تمام مراحل دادرسی برای سازمان‌های مردم‌نهاد در خصوص جرائم منافی عفت اشخاص موضوع این ماده نیز وجود دارد یا خیر. با توجه به اینکه حضور این سازمان‌ها در جلسات رسیدگی به جرائم منافی عفت، سبب اشاعه‌ی فحشا خواهد شد، چنانچه این ماده اطلاق داشته باشد و شرکت در این جلسات را نیز منظور داشته باشد، این ماده مغایر با موازین شرعی خواهد بود. لذا ابتدا این ابهام ماده باید برطرف شود تا بتوان در خصوص آن اظهار نظر کرد.

**ب)** در این ماده مشخص نیست منظور از حضور سازمان‌های مردم‌نهاد در تمام مراحل دادرسی، شامل شرکت آنها در تمامی جلسات دادرسی مانند جلسات رسیدگی به جرائم منافی عفت نیز می‌شود یا صرفاً محاکمات علنی را مد نظر دارد. از آنجا که طبق اصل (۱۶۵) قانون اساسی، چنانچه به تشخیص دادگاه، علنی بودن محاکمات، منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد، قاضی می‌تواند به غیر علنی بودن دادرسی حکم کند، اگر منظور این ماده، شرکت این سازمان‌ها در هرگونه جلسه‌ی دادرسی باشد، این ماده از حیث ایجاد محدودیت در صلاحیت‌های دادگاه مذکور در اصل (۱۶۵)، مغایر با این اصل خواهد بود. بر این اساس، ابتدا این ابهام مصوبه باید برطرف شود تا بتوان در خصوص آن اظهار نظر کرد.

### نظر شورای نگهبان

ماده (۵) موضوع اصلاح ماده (۶۶)، روشن نیست که آیا در خصوص جرائم مربوط به منافیات عفت اجازه شرکت در تمام مراحل دادرسی برای اشخاص مذکور وجود دارد یا خیر؟ همچنین آیا این امر مانع اختیارات دادگاه با توجه به اصل (۱۶۵) قانون اساسی می‌باشد یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.

---

ماده ۹- ماده (۹۸) قانون<sup>۷</sup> به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۹۸- بازپرس باید شخصاً تحقیقات و اقدامات لازم را به منظور جمع‌آوری ادله وقوع جرم به عمل آورد. این امر مانع از آن نیست که بازپرس بخشی از تحقیقات و اقدامات لازم برای کشف جرم را پس از دادن تعلیمات لازم به ضابطان دادگستری ارجاع کند. در این صورت ضمن نظارت، چنانچه تکمیل آنها را لازم بداند تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کند.

### دیدگاه مغایرت

بر اساس ماده‌ی اصلاحی، به نحو مطلق به بازپرس اجازه داده شده است که در مورد هر جرمی، تحقیقات و اقدامات لازم برای کشف آن جرم را به ضابطان دادگستری ارجاع دهد. این در حالی است که ارجاع چنین اموری از سوی بازپرس به ضابطان که فاقد چنین شأنی هستند بدون هیچ‌گونه محدودیتی مغایر با بند (۴) اصل (۱۵۶) قانون اساسی است که کشف جرم و تعقیب جرائم را از جمله‌ی وظایف قوه‌ی قضائیه می‌داند؛ زیرا این تحقیقات، واجد ماهیت قضایی هستند و تنها کسانی که دارای شأن قضایی هستند، صلاحیت انجام این تحقیقات را دارند. البته این موضوع به معنای آن نیست که بازپرس نتواند در انجام تحقیقات از دیگری کمک بگیرد، لیکن با توجه به اینکه در این ماده از تعبیر «ارجاع» استفاده شده است، نمی‌توان گفت این ماده صرفاً در مقام جواز کمک گرفتن بازپرس از ضابطین دادگستری است؛ چه آنکه ارجاع عرفاً به معنای واگذاری کامل یک امر به دیگری است. افزون بر آن، تصریح این ماده به نظارت دادستان، بدین معناست که این امر به طور کامل به ضابطین واگذار شده است و بازپرس صرفاً نظارت می‌کند.

---

۷. ماده (۹۸) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۹۸- بازپرس باید شخصاً تحقیقات و اقدامات لازم را به منظور جمع‌آوری ادله وقوع جرم به عمل آورد، ولی می‌تواند در غیر جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون، تفتیش، تحقیق از شهود و مطلعان، جمع‌آوری اطلاعات و ادله وقوع جرم و یا هر اقدام قانونی دیگری را که برای کشف جرم لازم بداند، پس از دادن تعلیمات لازم به ضابطان دادگستری ارجاع دهد که در این صورت، ضمن نظارت، چنانچه تکمیل آنها را لازم بداند، تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کند.»

گفتنی است طبق ماده‌ی سابق، بازپرس تنها در غیر جرائم مهم و سنگین می‌توانست اقدامات لازم برای کشف جرم را به ضابطان دادگستری ارجاع دهد ولی در این ماده‌ی اصلاحی، این امر به کلیه جرائم تسری پیدا کرده است و همچنین علاوه بر برخی اقدامات مربوط به کشف جرم، به انجام تحقیقات نیز اشاره کرده است. لذا شورای نگهبان با توجه به محدود بودن این ارجاع به جرائم ساده و نیز صرف انجام اقدامات مربوط به کشف جرائم، آن ماده را با اشکالی مواجه ندانسته بود.

### دیدگاه عدم مغایرت

انجام تحقیقات کامل برای کشف جرم مستلزم آن است که بازپرس بتواند در این راستا از توان ضابطین دادگستری نیز استفاده کند که در غیر این صورت، با توجه به حجم زیاد پرونده‌ها، بازپرس بدون استمداد از ضابطین دادگستری نمی‌تواند تحقیقات مناسب و کاملی را در مورد هر جرم انجام دهد. بر همین مبنا، در این ماده نیز منظور قانون‌گذار از جواز ارجاع تحقیقات و اقدامات لازم برای کشف جرم به ضابطان دادگستری، صرفاً تجویز کمک گرفتن بازپرس از ضابطین دادگستری است که بر اساس آموزش‌های لازم و تحت نظارت بازپرس صورت می‌پذیرد. با این توضیح، نمی‌توان حکم مقرر در این ماده مبنی بر جواز واگذاری تحقیقات و اقدامات لازم برای کشف جرم به ضابطان دادگستری را مغایر با اصل بند (۴) اصل (۱۵۶) قانون اساسی دانست که وظیفه‌ی کشف جرم و تعقیب جرائم را از جمله‌ی وظایف قوه‌ی قضائیه می‌داند؛ زیرا وظیفه‌ی کشف جرم در نهایت بر عهده‌ی بازپرس است و تحقیقات ضابطین، صرفاً برای کشف جرم توسط شخص بازپرس است.

### نظر شورای نگهبان

در ماده (۹) موضوع اصلاح ماده (۹۸)، اطلاق واگذاری انجام تحقیقات به غیر قاضی که از امور مهمه‌ی قضایی است، مغایر اصل (۱۵۶) قانون اساسی شناخته شد.

---

ماده ۱۰- ماده (۱۰۲) قانون و تبصره (۱) آن،<sup>۸</sup> به شرح زیر اصلاح و تبصره‌های (۲) و (۳) آن ابقاء می‌شود:

ماده ۱۰۲- انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرائم منافی عفت ممنوع است و پرسش از هیچ فردی در این خصوص مجاز نیست، مگر در مواردی که جرم در مرئی و منظر عام واقع شده و یا دارای شاکی یا به عنف یا سازمان‌یافته باشد که در این صورت تعقیب و تحقیق فقط در محدوده شکایت و یا اوضاع و احوال مشهود توسط مقام قضایی انجام می‌شود.

### دیدگاه ابهام

الف) به موجب این ماده‌ی اصلاحی، بیان شده که علاوه بر ماده (۱۰۲)، تبصره (۱) آن نیز اصلاح می‌شود؛ در حالی که در متن مصوبه‌ی مجلس، در خصوص تبصره (۱)، اصلاحی صورت نپذیرفته است. بر این اساس، از آنجا که معلوم نیست آیا مجلس در مقام حذف این تبصره بوده است یا سهواً آن را ذکر نکرده است، این ماده دارای ابهام است. بدیهی است، در صورتی که منظور مجلس از عدم ذکر تبصره‌ی اصلاحی، حذف تبصره (۱) بوده باشد، این ماده مغایر با موازین شرعی خواهد بود؛ زیرا حذف این تبصره که قبلاً در قانون بوده و مفاد آن نیز شرعی بوده است، ممکن است این تلقی را در دادگاه‌ها ایجاد کند که نظر قانون‌گذار برگشته است و بر این اساس، محاکم برخلاف مفاد تبصره‌ی محذوف عمل کنند. بنابراین، لازم است ابتدا این ابهام از این مصوبه

---

۸. ماده (۱۰۲) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۰۲- انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرم زنا و لواط و سایر جرائم منافی عفت ممنوع است و پرسش از هیچ فردی در این خصوص مجاز نیست، مگر در مواردی که جرم در مرئی و منظر عام واقع شود و یا دارای شاکی باشد که در این صورت، تعقیب و تحقیق فقط در محدوده شکایت و یا اوضاع و احوال مشهود توسط قاضی دادگاه انجام می‌شود.

تبصره ۱- در جرم زنا و لواط و سایر جرائم منافی عفت هرگاه شاکی وجود نداشته باشد و متهم بدو قصد اقرار داشته باشد، قاضی وی را توصیه به پوشاندن جرم و عدم اقرار می‌کند. ...»



برطرف شود تا اظهار نظر در خصوص آن ممکن شود.

ب) بر اساس ذیل این ماده‌ی اصلاحی، در مواردی که جرم در مرئی و منظر عام واقع شود و یا دارای شاکی باشد و یا به عنف یا سازمان‌یافته باشد، تعقیب و تحقیق فقط در محدوده‌ی شکایت و یا اوضاع و احوال مشهود توسط قاضی دادگاه انجام می‌شود. مسئله‌ای که در خصوص این حکم وجود دارد این است که محدوده‌ی تعقیب و تحقیق تعیین شده در ذیل این ماده صرفاً مربوط به مواردی است که جرم منافی عفت در مرئی و منظر عام واقع شده و یا دارای شاکی بوده باشد، لیکن در مواردی که جرم به عنف یا سازمان‌یافته باشد محدوده‌ی تعقیب و تحقیق مشخص نشده است. این در حالی است که اساساً شرایط تعقیب و تحقیق برای جرم تجاوز به عنف و برای جرائم سازمان‌یافته با جرم مشهود و جرمی که دارای شاکی است، فرق می‌کند. بنابراین، از آنجا که در این ماده محدوده‌ی تعقیب و تحقیق برای مواردی که جرم به عنف یا سازمان‌یافته باشد، معلوم نشده است، این ماده از این حیث دارای ابهام است.

### دیدگاه عدم مغایرت

الف) مجلس با عدم ذکر تبصره‌ی (۱) در این مصوبه‌ی اصلاحی، قصد حذف آن را داشته است؛ زیرا در ابتدا چنین مقرر کرده است: «ماده (۱۰۲) قانون و تبصره (۱) آن اصلاح می‌شود» و در ادامه تنها به ذکر ماده‌ی (۱۰۲) اصلاحی اکتفا کرده است. گویا مجلس قصد داشته است اصلاح ماده را در حکم اصلاح و تبصره (۱) آن بداند. ضمن آنکه با حذف این تبصره، دادگاه‌ها در موضوع این تبصره یعنی توصیه‌ی قاضی به پوشاندن جرم و عدم اقرار به آن در مواردی که شاکی وجود ندارد، مرتکب خلاف شرع نمی‌شوند؛ زیرا این توصیه تکلیفی اخلاقی است نه شرعی. بنابراین، عدم ذکر تبصره‌ی اصلاحی در این ماده با ابهام و ایرادی مواجه نیست.

ب) حکم مقرر در ذیل این ماده مبنی بر انجام تعقیب و تحقیق در محدوده‌ی شکایت و یا اوضاع و احوال مشهود مطلق است و شامل همه‌ی موارد مذکور در صدر ماده یعنی مواردی می‌شود که جرم در مرئی و منظر عام واقع شده یا دارای شاکی یا به عنف یا سازمان‌یافته باشد. در واقع مجلس، محدوده‌ی تعقیب و تحقیق در مواردی که جرم به عنف یا سازمان‌یافته است را همانند دو مورد دیگر، در محدوده‌ی شکایت شاکی و یا اوضاع و احوال مشهود دانسته است. بنابراین، با توجه به مشخص بودن محدوده‌ی تعقیب و تحقیق در مواردی که جرم به عنف یا سازمان‌یافته است، این ماده با ابهام و ایرادی مواجه نیست.

### نظر شورای نگهبان

در ماده (۱۰) موضوع اصلاح ماده (۱۰۲) و تبصره‌ی یک، نظر به اینکه متن تبصره‌ی یک اصلاحی ارسال نگردیده است، اظهار نظر ممکن نیست. باید در این خصوص اقدام لازم مبذول گردد.

ماده ۱۲- ماده (۱۵۰) قانون<sup>۹</sup> به شرح زیر اصلاح و تبصره‌های آن حذف می‌شود:

ماده ۱۵۰- کنترل ارتباطات مخابراتی افراد ممنوع است، مگر در مواردی که به امنیت داخلی و خارجی کشور مربوط باشد.

شرایط و کیفیت کنترل ارتباطات مخابراتی به موجب مصوبه شورای عالی امنیت ملی تعیین می‌شود.

### دیدگاه مغایرت

۹. ماده (۱۵۰) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۵۰- کنترل ارتباطات مخابراتی افراد ممنوع است، مگر در مواردی که به امنیت داخلی و خارجی کشور مربوط باشد یا برای کشف جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون لازم تشخیص داده شود. در این صورت با موافقت رئیس کل دادگستری استان و با تعیین مدت و دفعات کنترل، اقدام می‌شود. کنترل مکالمات تلفنی اشخاص و مقامات موضوع ماده (۳۰۷) این قانون منوط به تأیید رئیس قوه قضائیه است و این اختیار قابل تفویض به سایرین نمی‌باشد. تبصره ۱- شرایط و کیفیت کنترل ارتباطات مخابراتی به موجب مصوبه شورای عالی امنیت ملی تعیین می‌شود.

تبصره ۲- کنترل ارتباطات مخابراتی محکومان جز به تشخیص دادگاه نخستین که رأی زیر نظر آن اجرا می‌شود یا قاضی اجرای احکام ممنوع است.»

**الف)** علی‌رغم آنکه در ماده (۱۵۰) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مرجع تشخیص موارد مجاز کنترل ارتباطات مخابراتی و نیز برخی ضوابط آن مشخص شده بود، در ماده‌ی اصلاحی این موارد حذف شده‌اند و تعیین این ضوابط بر عهده‌ی شورای عالی امنیت ملی گذاشته شده است. این در حالی است که این امور، واجد ماهیت تقنینی هستند و باید توسط مجلس شورای اسلامی مشخص شوند؛ زیرا طبق اصل (۸۵) قانون اساسی، قانون‌گذاری تنها در صلاحیت مجلس شورای اسلامی و غیر قابل واگذاری به غیر است. بنابراین، در این ماده واگذاری تعیین مرجع تشخیص موارد مجاز کنترل مخابراتی و سایر ضوابط آن به شورای عالی امنیت ملی، مغایر با اصل (۸۵) قانون اساسی مبنی بر منع تفویض قانون‌گذاری به غیر است. همچنین این امر مغایر با اصل (۲۵) قانون اساسی است؛ چه آنکه مطابق با این اصل، ضبط، فاش کردن، استراق سمع و هرگونه تجسس در مکالمات تلفنی و مخابراتی جز در مواردی که به موجب حکم قانون استثناء شده است، ممنوع است. بر این اساس، موارد استثنای ممنوعیت تجسس در مکالمات تلفنی صرفاً در قانون باید مشخص شود و نمی‌توان آن را به مرجعی دیگر همچون شورای عالی امنیت ملی سپرد. گفتنی است که در مصوبه‌ی قبل، مرجع تشخیص این امر و نیز ضوابط آن مشخص شده بود و صرفاً تعیین شرایط و کیفیات اجرایی آن بر عهده‌ی شورای عالی امنیت ملی گذاشته شده بود؛ در حالی که در این مصوبه‌ی اصلاحی، تعیین کلیه‌ی ضوابط آن بر عهده این شورا گذاشته شده است که مغایر با اصول (۸۵) و (۲۵) قانون اساسی خواهد بود.

**ب)** در این ماده‌ی اصلاحی مرجع تعیین شرایط و کیفیت کنترل ارتباطات مخابراتی، شورای عالی امنیت ملی دانسته شده است؛ حال آنکه چنین وظیفه‌ای جزء وظایف مقرر در اصل (۱۷۶) قانون اساسی برای شورای عالی امنیت ملی نیست و اساساً ارتباطی با این شورا ندارد. بنابراین، با توجه به حصری بودن وظایف مقرر در اصل (۱۷۶) برای این شورا، حکم ماده‌ی اصلاحی مبنی بر واگذاری تعیین شرایط و کیفیت کنترل ارتباطات مخابراتی به شورای عالی امنیت ملی، مغایر با اصل (۱۷۶) قانون اساسی است.

**ج)** طبق ماده (۱۵۰) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در صورتی که برای کشف برخی جرائم مهم همچون جرائم مربوط به سلب حیات، کنترل ارتباطات مخابراتی افراد لازم باشد، قاضی پرونده با رعایت ضوابط آن نسبت به این امر اقدام می‌کند. مجلس در ماده‌ی اصلاحی ضمن حذف استفاده از کنترل ارتباطات مخابراتی برای کشف این جرائم، کنترل مخابراتی را صرفاً در مواردی که به امنیت داخلی و خارجی کشور مربوط باشد جایز دانسته است. این در حالی است که طبق بند (۴) اصل (۱۵۶) قانون اساسی، کشف جرم از جمله وظایف قوه‌ی قضائیه است و ممکن است مقام قضایی جهت کشف این جرائم مهم، نیازمند کنترل ارتباطات تلفنی و مخابراتی اشخاص باشد. بنابراین، حذف این جرائم از ماده‌ی اصلاحی و منحصر کردن آن به موارد مربوط به امنیت داخلی و خارجی کشور، آن هم به تشخیص شورای عالی امنیت ملی و نه قضات رسیدگی‌کننده به این جرائم، از آنجا که سبب اخلال در انجام وظیفه‌ی مندرج در بند (۴) اصل (۱۵۶) خواهد شد، مغایر با این اصل است.

### نظر شورای نگهبان

ماده (۱۲) موضوع اصلاح ماده (۱۵۰)، مغایر اصول (۲۵)، (۸۵) و (۱۷۶) قانون اساسی شناخته شد. همچنین از آنجا که تشخیص این موارد، بر اساس قانون بر عهده قاضی است، لذا از این جهت، مغایر اصل (۱۵۶) قانون اساسی نیز می‌باشد.

---

ماده ۱۳- در ماده (۱۵۱) قانون، عبارت «با تأیید رئیس کل دادگستری استان» حذف می‌شود.

### دیدگاه مغایرت

حکم به کنترل حساب بانکی اشخاص یک تصمیم قضایی است و برای صدور چنین حکمی علاوه بر نظر بازپرس که جزء مقامات دادسرا است، کسب نظر حداقل یک قاضی دادگاه نیز لازم است. این در حالی است که در این ماده‌ی اصلاحی، برخلاف

---

۱۰. ماده (۱۵۱) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۵۱- بازپرس می‌تواند در موارد ضروری، برای کشف جرم و یا دستیابی به ادله وقوع جرم، حساب‌های بانکی اشخاص را با تأیید رئیس کل دادگستری استان کنترل کند.»

ماده (۱۵۱) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ که برای این اقدام، علاوه بر درخواست بازپرس، تأیید رئیس کل دادگستری استان را نیز لازم دانسته بود، لزوم این تأیید را حذف کرده است. بنابراین، با توجه به آنکه کنترل حساب بانکی اشخاص یک تصمیم قضایی است، حکم این ماده مبنی بر حذف تأیید نظر بازرس توسط رئیس کل دادگستری استان که خود نیز قاضی محکمه (رئیس شعبه اول) است، موجب تضییع حیثیت و حقوق مردم خواهد بود و لذا واجد ایراد است. همچنین شایان ذکر است که اگرچه بازپرس نیز مقام قضایی است ولی با توجه به فرارگیری او در دادسرا و در جایگاه مدعی العموم، خود وی نیز طرف دعوا محسوب می‌شود و لذا صرفاً قاضی محکمه است که در مقام رفع ترافع می‌تواند نسبت به صدور این تصمیم قضایی اقدام کند. بر این اساس، این اقدام بازپرس باید به تأیید قاضی محکمه نیز برسد که رئیس دادگستری استان که هم قاضی است و هم عالی‌ترین مقام قضایی استان است، می‌تواند بهترین فرد برای این امر باشد.

### دیدگاه عدم مغایرت

با عنایت به اینکه بازپرس نیز مقام قضایی است که در دادسرا فعالیت می‌کند، کنترل حساب‌های بانکی اشخاص توسط او را نمی‌توان امری غیر قضایی محسوب کرد. افزون بر آن، بازپرس از لحاظ ساختاری در دادسرا فعالیت می‌کند و اگر این اقدام او نیازمند تأیید باشد باید از سوی دادستان صورت پذیرد، نه اینکه نیازمند تأیید رئیس کل دادگستری باشد. بر این اساس، حذف عبارت «با تأیید رئیس کل دادگستری استان» از این ماده را نمی‌توان موجب تضییع حقوق اشخاص و دارای اشکال دانست.

### نظر شورای نگهبان

تذکر: در ماده (۱۳)، موضوع اصلاح ماده (۱۵۱)، چون این اقدام یک تصمیم قضایی است، مناسب است لااقل یک مقام قضایی محکمه بر این امر نظارت نماید.

---

ماده ۱۵- تبصره (۱) ماده (۱۹۰)<sup>۱۱</sup> به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

تبصره ۱- سلب حق همراه داشتن وکیل و عدم تفهیم این حق به متهم، به ترتیب موجب مجازات انتظامی درجه هشت و سه<sup>۱۲</sup> است.

### دیدگاه مغایرت

گرچه تبصره (۱) ماده (۱۹۰) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، سلب حق همراه داشتن وکیل یا عدم تفهیم این حق به متهم را موجب بی‌اعتباری تحقیقات دانسته بود، لیکن مستفاد از تبصره‌ی اصلاحی آن است که قانون‌گذار قصد داشته این موضوع را صرفاً موجب تعقیب انتظامی قاضی بداند و تحقیقاتی که بدون حضور وکیل از متهم شده است را معتبر فرض کند. در واقع، حذف مفاد آن تبصره و تغییر اساسی آن به معنای آن است که قانون‌گذار به طور ضمنی، قصد معتبر دانستن آن تحقیقات را داشته است. اما معتبر دانستن تحقیقات انجام‌شده از متهم بدون همراه داشتن وکیل با فلسفه‌ی اصل (۳۵) قانون اساسی در خصوص حق برخورداری از وکیل در تضاد است؛ زیرا اساساً تصویب این اصل از آن جهت است که امروزه با پیچیدگی‌های امور حقوقی، معمولاً عامه‌ی مردم بدون حضور وکیل قادر به دفاع مؤثر از حق خود نیستند و ممکن است در جریان تحقیقات اقداماتی انجام دهند که به ضرر آنان تمام شود. این در حالی است که با حذف تبصره‌ی سابق چنین تحقیقاتی معتبر شناخته می‌شود. بنابراین، از آنجا که

---

۱۱. ماده (۱۹۰) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۹۰- ...

تبصره ۱- سلب حق همراه داشتن وکیل یا عدم تفهیم این حق به متهم موجب بی‌اعتباری تحقیقات می‌شود.»

۱۲. ماده (۱۳) قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰/۷/۱۷: «ماده ۱۳- مجازات‌های انتظامی قضات سیزده درجه به شرح زیر است: ...

۳- کسر حقوق ماهانه تا یک سوم از یک ماه تا شش ماه. ...

۸- انفصال موقت از یک ماه تا شش ماه.»

تبصره‌ی اصلاحی به معنای معتبر بودن تحقیقات از متهم بدون حضور وکیل است، این تبصره مغایر با اصل (۳۵) قانون اساسی است. همچنین صرف اشاره‌ی ماده‌ی اصلاحی به تعیین مجازات برای قضات متخلف نیز کافی نیست؛ زیرا این امر اگرچه ممکن است در برخی موارد جنبه‌ی بازدارندگی داشته باشد ولی در همه‌ی موارد این‌طور نخواهد بود و تأثیری در حقوق تضییع‌شده‌ی متهمین نخواهد داشت.

### دیدگاه عدم مغایرت

تبصره‌ی اصلاحی صرفاً در صدد آن است که سلب حق همراه داشتن وکیل یا عدم تفهیم این حق به متهم را موجب تعقیب انتظامی قاضی بداند، لذا اعتبار یا عدم اعتبار تحقیقات از متهم بدون حضور وکیل از این تبصره برداشت نمی‌شود. در واقع، در صورتی که تحقیقات انجام‌شده شرایط لازم قانونی را داشته باشد معتبر دانسته می‌شود. به بیان دیگر، چنانچه تحقیقات انجام‌شده بر اساس اصول و قواعد مربوطه صورت پذیرفته باشد، این تحقیقات واجد اعتبار خواهند بود و این ماده‌ی اصلاحی در صدد اعتباربخشی به کلیه‌ی تحقیقات بدون حضور وکیل نیست. چنانچه تحقیقات با سلب حق برخورداری متهم از وکیل صورت پذیرفته باشد، این تحقیقات معتبر نیست. از سوی دیگر، چنانچه تحقیقات انجام‌شده بدون حضور وکیل تفاوتی با فرض حضور وکیل نداشته باشد و حتی از فرد، تضییع نشده باشد، این تحقیقات که بر اساس ضوابط قانونی انجام شده است را نمی‌توان غیر معتبر دانست. بر این اساس، این ماده نسبت به اعتبار یا عدم اعتبار تحقیقات انجام‌شده، در مقام بیان نیست تا بتوان آن را از حیث سلب یا محدودسازی حق برخورداری از وکیل مغایر با اصل (۳۵) قانون اساسی دانست.

### نظر شورای نگهبان

ماده (۱۵)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

---

ماده ۲۰- ماده (۲۹۶) قانون<sup>۱۳</sup> به شرح زیر اصلاح و تبصره‌های آن ابقاء می‌شود:

ماده ۲۹۶- دادگاه کیفری یک با حضور رئیس و دو مستشار و در غیاب رئیس با حضور سه مستشار تشکیل می‌شود. جلسه دادگاه با حضور دو عضو رسمیت دارد. در این صورت ریاست دادگاه به عهده عضو مستشاری است که سابقه قضایی بیشتری دارد.

### دیدگاه مغایرت

طبق ماده‌ی اصلاحی، جلسه‌ی دادگاه کیفری یک با حضور رئیس و دو مستشار و در غیاب رئیس با حضور سه مستشار تشکیل و با حضور دو عضو رسمیت دارد. این در حالی است که تفکیک بین تشکیل دادگاه و رسمیت آن از جهت منطبق حقوقی قابل توجیه نیست. در واقع، دادگاه هر طور که رسمیت پیدا می‌کند، همان‌طور باید تشکیل شود. گفتنی است شورای نگهبان قبلاً در مورد موادی از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ این موضوع را تذکر داده بود.<sup>۱۴</sup>

### دیدگاه عدم مغایرت

---

۱۳. ماده (۲۹۶) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۲۹۶- دادگاه کیفری یک با حضور رئیس و دو مستشار و در غیاب رئیس با حضور سه مستشار تشکیل می‌شود. در این وضعیت ریاست دادگاه به عهده عضو مستشاری است که سابقه قضایی بیشتری دارد.  
تبصره ۱- ...»

۱۴. در این خصوص در بند (۱) از تذکرات شورای نگهبان پیرامون قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مندرج در نامه‌ی شماره ۹۲/۳۰/۵۲۸۶۸ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۲ خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی آمده است: «۱- در مواد (۲۹۶)، (۲۹۷)، (۳۹۵) و (۴۲۶)، تفکیک بین تشکیل دادگاه و رسمیت آن از جهت منطبق حقوقی قابل توجیه نمی‌باشد و نیز حضور عضو علی‌البدل در جلساتی قابل توجیه است که عضو اصلی به تعداد لازم وجود نداشته و یا به جهاتی نتوانند در جلسه دادگاه شرکت نمایند. بنابراین حضور عضو علی‌البدل در صورتی که مستشاران به تعداد لازم حضور داشته باشند منطقی نیست.»

حکم مقرر در این ماده مبنی بر رسمیت دادگاه با حضور دو عضو برای جلوگیری از تعطیلی دادگاه در مواردی است که یکی از سه عضو دادگاه به هر دلیل، موفق به حضور در دادگاه نشده است. مجلس در این موارد برای عدم وقفه در رسیدگی و صدور حکم، حضور دو نفر را موجب رسمیت دادگاه دانسته است. بنابراین، حکم این ماده مبنی بر رسمیت دادگاه با حضور دو عضو، علی‌رغم تشکیل آن با سه عضو، با اشکالی مواجه نیست.

### دیدگاه ابهام

در این ماده‌ی اصلاحی، مستفاد از ظاهر ذیل ماده یعنی عبارت «در این صورت ریاست دادگاه به عهده عضو مستشاری است که سابقه قضایی بیشتری دارد» آن است که حتی در مواردی که یکی از این دو عضو، رئیس دادگاه باشد، ریاست جلسه با شخصی است که سابقه‌ی قضایی بیشتری دارد. این در حالی است که ریاست دادگاه اصولاً باید با رئیس دادگاه باشد. البته ممکن است منظور ذیل ماده مواردی باشد که رئیس دادگاه، غایب باشد و اعضای دادگاه همگی مستشار باشند که با غیبت رئیس، ریاست دادگاه بر عهده‌ی عضو مستشاری قرار می‌گیرد که سابقه‌ی قضایی بیشتری دارد. بر این اساس لازم است این ابهام و ایراد عبارتی در این ماده اصلاح شود.

### نظر شورای نگهبان

تذکر: ماده (۲۰)، اشکال عبارتی دارد. علاوه بر این، در این ماده و مواد (۲۱) و (۳۰) به ترتیب موضوع اصلاح مواد (۲۹۶)، (۲۹۷) و (۴۲۶)، همان‌طور که در نامه ۹۲/۳۰/۵۲۸۶۸ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۲ این شورا ذکر گردیده است، تفکیک بین تشکیل دادگاه و رسمیت آن از جهت منطق حقوقی قابل توجیه نمی‌باشد.

---

ماده ۲۱- ماده (۲۹۷) قانون<sup>۱۵</sup> به شرح زیر اصلاح و تبصره آن ابقاء می‌شود:

ماده ۲۹۷- دادگاه انقلاب در مرکز هر استان و به تشخیص رئیس قوه قضائیه در حوزه قضایی شهرستان‌ها برای رسیدگی به جرائم موجب مجازات مندرج در بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون با حضور رئیس و دو مستشار تشکیل می‌شود. جلسه دادگاه با حضور دو عضو رسمیت دارد. دادگاه برای رسیدگی به سایر موضوعات با حضور رئیس یا دادرس علی‌البدل یا یک مستشار تشکیل می‌شود.

### دیدگاه مغایرت

طبق ماده‌ی (۲۹۷) اصلاحی، جلسه‌ی دادگاه با حضور رئیس و دو مستشار تشکیل و با حضور دو عضو رسمیت دارد. این در حالی است که همان‌طور که در ماده‌ی قبل (= ماده (۲۹۶) اصلاحی) نیز اشاره شد، تفکیک بین تشکیل دادگاه و رسمیت آن از جهت منطق حقوقی قابل توجیه نیست. در واقع، دادگاه هر طور که رسمیت پیدا می‌کند، همان‌طور باید تشکیل شود. گفتنی است شورای نگهبان قبلاً در مورد موادی از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز این موضوع را تذکر داده بود.<sup>۱۶</sup>

### نظر شورای نگهبان

تذکر: در ماده (۲۱) موضوع اصلاح ماده (۲۹۷)، همان‌طور که در نامه ۹۲/۳۰/۵۲۸۶۸ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۲ این شورا ذکر گردیده است، تفکیک بین تشکیل دادگاه و رسمیت آن از جهت منطق حقوقی قابل توجیه نمی‌باشد.

---

۱۵. ماده (۲۹۷) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۲۹۷- دادگاه انقلاب برای رسیدگی به جرائم موجب مجازات مندرج در بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون با حضور رئیس و دو مستشار تشکیل می‌شود. دادگاه برای رسیدگی به سایر موضوعات با حضور رئیس یا دادرس علی‌البدل یا توسط یک مستشار تشکیل می‌شود.  
تبصره- ...»

۱۶. جهت مشاهده‌ی این نظر شورای نگهبان، بنگرید به پی‌نوشت ذکر شده در ذیل دیدگاه مغایرت مربوط به ماده (۲۰) این مصوبه.

ماده ۳۰- به انتهای ماده (۴۲۶)،<sup>۱۷</sup> عبارت «جلسه دادگاه تجدیدنظر و دیوان عالی کشور با حضور دو عضو رسمیت دارد»، اضافه می‌شود.

### دیدگاه مغایرت

طبق این ماده‌ی اصلاحی، مقرر شده که جلسه‌ی دادگاه با حضور رئیس و دو مستشار تشکیل و با حضور دو عضو رسمیت دارد. این در حالی است که تفکیک بین تشکیل دادگاه و رسمیت آن از جهت منطبق حقوقی قابل توجیه نیست. در واقع، دادگاه هر طور که رسمیت پیدا می‌کند، همان‌طور باید تشکیل شود. گفتنی است شورای نگهبان قبلاً در مورد موادی از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز این موضوع را تذکر داده بود.<sup>۱۸</sup>

### نظر شورای نگهبان

تذکر: در ماده (۳۰) موضوع اصلاح ماده (۴۲۶)، همان‌طور که در نامه ۹۲/۳۰/۵۲۸۶۸ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۲ این شورا ذکر گردیده است، تفکیک بین تشکیل دادگاه و رسمیت آن از جهت منطبق حقوقی قابل توجیه نمی‌باشد.

ماده ۳۱- ماده (۴۲۸) قانون<sup>۱۹</sup> به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۴۲۸- آرای صادره درباره جرائمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد و یا تعزیر درجه سه و بالاتر است و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آنها نصف دیه کامل یا بیش از آن است و آرای صادره درباره جرائم سیاسی و مطبوعاتی، قابل فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور است.

### دیدگاه مغایرت

مطابق با اصل (۱۶۱) قانون اساسی، یکی از وظایف دیوان عالی کشور نظارت بر حسن اجرای قوانین در محاکم است. مصداق بارز این وظیفه، امکان فرجام‌خواهی از آرای محاکم در دیوان است. از آنجا که در این ماده‌ی اصلاحی، فرجام‌خواهی از آرای دادگاه‌ها را منحصر به موارد خاصی کرده است و مفهوم مخالف این حصر آن است که امکان فرجام‌خواهی از آرای محاکم در غیر از موارد احصاشده‌ی در این ماده وجود ندارد، این ماده به دلیل محدود کردن وظیفه‌ی نظارتی دیوان عالی کشور در مورد آرای محاکم، مغایر با اصل (۱۶۱) قانون اساسی است.

### دیدگاه عدم مغایرت

مجلس در این ماده‌ی اصلاحی، امکان فرجام‌خواهی از برخی آرای دادگاه‌ها را در دیوان عالی کشور پیش‌بینی کرده است و این موضوع به معنای محدود کردن وظیفه‌ی نظارتی دیوان بر حسن اجرای قوانین در محاکم که در اصل (۱۶۱) قانون اساسی مقرر شده، نیست. این فرجام‌خواهی، در واقع تجدیدنظر در برخی آرای قضایی است که دیوان عالی کشور نسبت به آن بررسی محتوایی انجام می‌دهد و سایر موارد نظارت دیوان بر اجرای صحیح قوانین، نظارت‌های شکلی هستند که از سوی دیوان صورت می‌پذیرند. بر این

۱۷. ماده (۴۲۶) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۴۲۶- دادگاه تجدیدنظر استان مرجع صالح برای رسیدگی به درخواست تجدیدنظر از کلیه آراء غیر قطعی کیفری است، جز در مواردی که در صلاحیت دیوان عالی کشور باشد. دادگاه تجدیدنظر استان در مرکز هر استان، با حضور رئیس یا دادرس علی‌البدل و عضویت دو مستشار تشکیل می‌شود.»

۱۸. جهت مشاهده‌ی این نظر شورای نگهبان، بنگرید به پی‌نوشت ذکرشده در ذیل دیدگاه مغایرت مربوط به ماده (۲۰) این مصوبه.

۱۹. ماده (۴۲۸) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۴۲۸- آراء صادره درباره جرائمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد و یا تعزیر درجه چهار و بالاتر است و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آنها ثلث دیه کامل مجنی‌علیه یا بیش از آن است و آراء صادره درباره جرائم سیاسی و مطبوعاتی، قابل فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور است.»

اساس، این ماده به بخشی از وظایف دیوان عالی کشور اشاره کرده است و در صدد نفی سایر وظایف نظارتی دیوان عالی کشور نیست و بدین لحاظ، مغایرتی با اصل (۱۶۱) قانون اساسی ندارد.

### دیدگاه ابهام

مطابق با اصل (۱۶۱) قانون اساسی، یکی از وظایف دیوان عالی کشور نظارت بر حسن اجرای قوانین در محاکم است. از آنجا که معلوم نیست نظارت مقرر در این اصل منحصر به فرجام‌خواهی از آرای محاکم مذکور در این ماده است یا اینکه دیوان از طرق دیگر نیز می‌تواند بر حسن اجرای قوانین در محاکم نظارت کند، این ماده دارای ابهام است. بدیهی است، در صورتی که نظارت مقرر در اصل (۱۶۱)، منحصر به فرجام‌خواهی از این آراء باشد، این ماده به دلیل محدود کردن جرائمی که قابل فرجام‌خواهی در دیوان است، مغایر با اصل (۱۶۱) قانون اساسی خواهد بود.

### نظر شورای نگهبان

ماده (۳۱) موضوع اصلاح ماده (۴۲۸)، از این جهت که مشخص نیست آیا نظارت مذکور در اصل (۱۶۱) قانون اساسی، محدود به همین موارد است یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.

\*\*\*\*\*

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۴/۳/۲۴ (مرحله دوم)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۴/۳/۲۷

ماده ۲- تبصره (۲) ماده (۱۳) قانون به شرح زیر اصلاح می‌شود:

تبصره ۲- هرگاه مرتکب جرم پیش از صدور حکم قطعی، مبتلا به جنون شود، تا زمان افاقه، تعقیب و دادرسی متوقف می‌شود؛ مگر آنکه در جرائم حق‌الناسی شرایط اثبات جرم به نحوی باشد که فرد مجنون یا فاقد هوشیاری در فرض افاقه نیز نتواند از خود رفع اتهام کند. در این صورت به ولی یا قیم یا سرپرست قانونی وی ابلاغ می‌شود که ظرف مدت پنج روز نسبت به معرفی وکیل اقدام نماید. در صورت عدم معرفی، صرف‌نظر از نوع جرم ارتكابی و میزان مجازات آن، وفق مقررات برای وی وکیل تسخیری تعیین می‌شود و تعقیب و دادرسی ادامه می‌یابد.

### دیدگاه عدم مغایرت

با عنایت به اینکه مجلس در ماده‌ی اصلاحی، عبارت «در فرض» و «نتواند» را به ترتیب جایگزین عبارت «در حالت» و «نمی‌توانست» کرده است، تذکر پیشین شورا در خصوص اشکال عبارتی «حالت افاقه» رعایت شده است؛ زیرا چیزی که این ماده درصدد بیان آن است این است که فرد مجنون اگر عاقل بود نیز نمی‌توانست از خود رفع اتهام کند، نه اینکه اگر بعداً افاقه پیدا کرد، نتواند از خود دفاع کند؛ که این مفهوم، با عبارت پیشین منتقل نمی‌شد، ولی با اصلاح صورت‌گرفته در این ماده، هم‌اینک این مفهوم به درستی منتقل می‌شود.

### نظر شورای نگهبان

ماده (۲)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده (۴) به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۴- تبصره ماده (۴۸) قانون حذف و تبصره زیر جایگزین آن می‌شود:

تبصره- در جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی و همچنین جرائم سازمان یافته که مجازات آنها مشمول ماده (۳۰۲) این قانون است، در مرحله تحقیقات مقدماتی طرفین دعوی، وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای دادگستری که مورد تأیید رئیس قوه قضائیه باشد انتخاب می نمایند. اسامی وکلای مزبور توسط رئیس قوه قضائیه اعلام می گردد.

### دیدگاه عدم مغایرت

با عنایت به اینکه مجلس در این ماده‌ی اصلاحی، در جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی و همچنین جرائم سازمان یافته موضوع این ماده، به طور ضمنی امکان حضور وکیل در تحقیقات مقدماتی را پیش‌بینی کرده است، ایراد قبلی شورا مبنی بر نفی حضور وکیل در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی این دسته از جرائم رفع شده است. بر این اساس، این ماده از حیث ایجاد محدودیت در حق برخورداری از وکیل مندرج در اصل (۳۵) قانون اساسی واجد ایراد نیست.

### نظر شورای نگهبان

ماده (۴)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده (۵) به شرح زیر اصلاح می شود:

ماده ۵- ماده (۶۶) قانون و تبصره (۱) آن به شرح زیر اصلاح و تبصره‌های (۲) و (۳) آن ابقاء و یک تبصره به عنوان تبصره

(۴) به شرح زیر به آن الحاق می شود:

ماده ۶۶- ...

تبصره ۱- در صورتی که جرم واقع شده دارای بزه دیده خاص باشد، کسب رضایت وی جهت اقدام مطابق این ماده ضروری است. چنانچه بزه دیده طفل، مجنون و یا در جرائم مالی سفیه باشد، رضایت ولی، قیم یا سرپرست قانونی او اخذ می شود. اگر ولی، قیم یا سرپرست قانونی، خود مرتکب جرم شده باشد، سازمان‌های مذکور با اخذ رضایت قیم اتفاقی یا تأیید دادستان، اقدامات لازم را انجام می دهند.

تبصره ۴- اجرای این ماده با رعایت اصل یکصد و شصت و پنجم (۱۶۵) قانون اساسی است و در جرائم منافی عفت، سازمان‌های مردم‌نهاد موضوع این ماده می توانند با رعایت ماده (۱۰۲) این قانون و تبصره‌های آن،<sup>۲</sup> تنها اعلام جرم نموده و دلایل خود را به مراجع قضایی ارائه دهند و حق شرکت در جلسات را ندارند.

### دیدگاه عدم مغایرت

الف) با عنایت به اینکه طبق تبصره‌ی الحاقی به این ماده، سازمان‌های مردم‌نهاد موضوع این ماده در جرائم منافی عفت با رعایت ماده (۱۰۲) قانون آیین دادرسی کیفری و بدون حق شرکت در جلسات، تنها حق اعلام جرم دارند، ابهام قبلی شورا مبنی بر احتمال تجویز مشارکت این سازمان‌ها در تمامی مراحل پرونده در این جرائم و در نتیجه، امکان اشاعه‌ی فحشا و هتک آبروی افراد برطرف

۴۰. ماده (۱۰۲) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۰۲- (اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴) انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرائم منافی عفت ممنوع است و پرسش از هیچ فردی در این خصوص مجاز نیست، مگر در مواردی که جرم در مرئی و منظر عام واقع شده و یا دارای شاکی یا به عفت یا سازمان یافته باشد که در این صورت، تعقیب و تحقیق فقط در محدوده شکایت و یا اوضاع و احوال مشهود توسط مقام قضایی انجام می شود.

تبصره ۱- (اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴) در جرائم منافی عفت هرگاه شاکی وجود نداشته باشد و متهم بدو قصد اقرار داشته باشد، قاضی وی را توصیه به پوشاندن جرم و عدم اقرار می کند.

تبصره ۲- قاضی مکلف است عواقب شهادت فاقد شرایط قانونی را به شاهدان تذکر دهد.

تبصره ۳- در جرائم مذکور در این ماده، اگر بزه دیده محجور باشد، ولی یا سرپرست قانونی او حق طرح شکایت دارد. در مورد بزه دیده بالغی که سن او زیر هجده سال است، ولی یا سرپرست قانونی او نیز حق طرح شکایت دارد.»



شده است و این ماده با ایرادی مواجه نیست.

ب) مجلس در تبصره‌ی الحاقی، رعایت اصل (۱۶۵) قانون اساسی را در اجرای این ماده لازم دانسته است. بر این اساس اقدامات سازمان‌های مردم‌نهاد موضوع این ماده در جرائم منافی عفت، نافی اختیار دادگاه در حکم به غیر علنی برگزار شدن رسیدگی به این دسته از جرائم نخواهد بود. لذا ابهام قبلی شورا مبنی بر احتمال نادیده انگاشتن اختیار دادگاه در حکم به غیر علنی برگزار شدن رسیدگی به این دسته از جرائم برطرف شده است. از این رو، این ماده با اشکالی مواجه نیست.

### نظر شورای نگهبان

ماده (۵)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده (۹) به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۹- یک تبصره به شرح زیر به ماده (۹۸) قانون الحاق می‌شود:

تبصره- در بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون<sup>۲۱</sup> نیز بازپرس می‌تواند با همکاری ضابطان دادگستری تحقیقات لازم را انجام دهد.

### دیدگاه عدم مغایرت

در ماده (۹۸) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴، ارجاع تحقیقات به ضابطان دادگستری صرفاً در غیر جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون مجاز دانسته شده بود که مصوبه‌ی پیشین مجلس (= مصوبه‌ی مورخ ۱۳۹۴/۳/۵ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس) این قید را حذف کرده و بازپرس را مجاز به ارجاع تحقیقات در کلیه‌ی جرائم به ضابطان دادگستری دانسته بود. بر این اساس، شورای نگهبان در مرحله‌ی پیشین، ارجاع تحقیقات این جرائم مهم را از آنجا که باید توسط افراد دارای شأن قضایی انجام می‌شد، مغایر با بند (۴) اصل (۱۵۶) قانون اساسی دانست که طبق آن، کشف جرم از جمله‌ی وظایف قوه‌ی قضائیه است. در این اصلاحیه‌ی جدید، مجلس برای برطرف کردن ایراد شورا، تبصره‌ای به ماده (۹۸) الحاق کرده است که با این کار، در حقیقت متن ماده (۹۸) مصوب ۱۳۹۲ را بازگردانده است. بر این اساس، با اصلاح صورت گرفته در این ماده، مسئولیت تحقیقات در خصوص بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون بر عهده‌ی بازپرس است و وی صرفاً می‌تواند در این خصوص از همکاری ضابطان دادگستری استفاده کند، نه اینکه انجام این امور را به آنان ارجاع دهد. لذا ایراد پیشین شورای نگهبان در خصوص واگذاری و ارجاع انجام این امور مهم به ضابطان دادگستری و مغایرت آن با اصل (۱۵۶) قانون اساسی برطرف شده است.

### نظر شورای نگهبان

ماده (۹)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۲۱. ماده (۳۰۲) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۳۰۲- به جرائم زیر در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود:

الف- جرائم موجب مجازات سلب حیات

ب- جرائم موجب حبس ابد

پ- جرائم موجب مجازات قطع عضو و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان ثلث دیه کامل یا بیش از آن

ت- جرائم موجب مجازات تعزیری درجه چهار و بالاتر

ث- جرائم سیاسی و مطبوعاتی»

---

ماده (۱۰) به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۱۰- ماده (۱۰۲) قانون و تبصره (۱) آن به شرح زیر اصلاح و تبصره‌های (۲) و (۳) آن ابقاء می‌شود.  
ماده ۱۰۲- ...

تبصره ۱- در جرائم منافی عفت هرگاه شاکی وجود نداشته باشد و متهم بدو قصد اقرار داشته باشد، قاضی وی را توصیه به پوشاندن جرم و عدم اقرار می‌کند.

### دیدگاه عدم مغایرت

با عنایت به اینکه مجلس در این مصوبه‌ی اصلاحی، به تبصره (۱) مصوبه‌ی نخست تصریح کرده است، ابهام قبلی شورا مبنی بر امکان حذف این تبصره توسط مجلس در این مصوبه برطرف شده است؛ چه آنکه در صورت حذف مفاد تبصره (۱) از این مصوبه، از این حیث که یک امر شرعی حذف می‌شد، ممکن بود در محاکم بر خلاف مفاد آن عمل شود، و از این جهت، حذف این تبصره، زمینه‌ساز اقدام محاکم بر خلاف موازین شرعی می‌شد. لذا لازم بود که به این موضوع در این مصوبه تصریح شود. بنابراین، در حال حاضر با تصریحی که در این اصلاحیه به مفاد تبصره (۱) شده است، این ابهام شورا برطرف شده است و از این جهت، این ماده با ایرادی مواجه نیست.

### نظر شورای نگهبان

ماده (۱۰)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

---

### [ماده ۱۲- حذف شد.]

### دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به اینکه مجلس در این اصلاحیه، به طور کلی ماده (۱۲) را از این مصوبه حذف کرده است، ایراد پیشین شورای نگهبان نسبت به این ماده، موضوعاً منتفی شده است. به عبارت دیگر، با حذف مفاد ماده (۱۲) از این مصوبه، مجلس از اصلاح ماده (۱۵۰) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ صرف نظر کرده و مفاد ماده (۱۵۰) که پیش‌تر به تأیید شورای نگهبان رسیده، به قوت خود باقی مانده است.

### نظر شورای نگهبان

با توجه به حذف ماده (۱۲)، بررسی موضوع از حیث مغایرت با قانون اساسی و موازین شرع، سالبه به انتفای موضوع است

---

ماده (۱۳) به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۱۳- در ماده (۱۵۱) قانون، عبارت «با تأیید رئیس کل دادگستری استان» به عبارت «با تأیید رئیس حوزه قضایی» تغییر می‌یابد.

### دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به اینکه مجلس در این مصوبه‌ی اصلاحی، به جای حذف کامل عبارت «با تأیید رئیس کل دادگستری استان» از ماده (۱۵۱) قانون، آن را با عبارت «با تأیید رئیس حوزه قضایی» جایگزین کرده است، ایراد پیشین شورای نگهبان نسبت به این ماده

برطرف شده است؛ چه آنکه هم‌اینک حکم ماده (۱۵۱) قانون، مبنی بر جواز کنترل حساب بانکی اشخاص در موارد ضروری توسط بازپرس، منوط به تأیید رئیس حوزه قضایی شده است که یک مقام قضایی در محکمه است. بنابراین، ایراد قبلی شورا مبنی بر لزوم نظارت و کنترل یک قاضی بر عملکرد بازپرس در خصوص حکم استثنایی پذیرفته شده در این ماده برطرف شده است.

### نظر شورای نگهبان

ماده (۱۳)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

---

ماده ۲۰- ماده (۲۹۶) قانون موضوع ماده (۲۰) به شرح زیر اصلاح و تبصره‌های آن ابقاء می‌شود:  
ماده ۲۹۶- دادگاه کیفری یک دارای رئیس و دو مستشار است که با حضور دو عضو نیز رسمیت می‌یابد. در صورت عدم حضور رئیس، ریاست دادگاه به عهده عضو مستشاری است که سابقه قضایی بیشتری دارد.

### دیدگاه عدم مغایرت

الف) در این ماده‌ی اصلاحی، عبارت «دادگاه کیفری یک با حضور رئیس و دو مستشار تشکیل می‌شود... جلسه دادگاه با حضور دو عضو رسمیت دارد» به عبارت «دادگاه کیفری یک دارای رئیس و دو مستشار است که با حضور دو عضو نیز رسمیت می‌یابد» تغییر پیدا کرده است. بر این اساس، در این اصلاحیه، تذکر پیشین شورا مبنی بر غیر قابل توجیه بودن تفکیک بین تشکیل دادگاه و رسمیت آن از جهت منطبق حقوقی، مد نظر قرار گرفته است و ایراد آن برطرف شده است.  
ب) با توجه به اضافه شدن عبارت «در صورت عدم حضور رئیس» به ذیل ماده‌ی اصلاحی، تذکر پیشین شورا در خصوص اشکال عبارتی این ماده، برطرف شده است؛ زیرا با عدم ذکر این عبارت، این برداشت از ماده انجام می‌شد که حتی در فرض حضور رئیس نیز ریاست دادگاه با عضوی است که سابقه‌ی قضایی بیشتری دارد که این موضوع، غیر منطقی به نظر می‌رسید.

### نظر شورای نگهبان

ماده (۲۰)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

---

ماده ۲۱- ماده (۲۹۷) قانون موضوع ماده (۲۱) به شرح زیر اصلاح و تبصره‌های آن ابقاء می‌شود:  
ماده ۲۹۷- دادگاه انقلاب در مرکز هر استان و به تشخیص رئیس قوه قضائیه در حوزه قضایی شهرستان‌ها تشکیل می‌شود. این دادگاه برای رسیدگی به جرائم موجب مجازات مندرج در بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون دارای رئیس و دو مستشار است که با دو عضو نیز رسمیت دارد. دادگاه برای رسیدگی به سایر موضوعات با حضور رئیس یا دادرس علی‌البدل یا یک مستشار تشکیل می‌شود.

### دیدگاه عدم مغایرت

در این ماده اصلاحی عبارت «دارای رئیس و دو مستشار است» جایگزین عبارت «با حضور رئیس و دو مستشار تشکیل می‌شود» شده است. بر این اساس، در این اصلاحیه، تذکر پیشین شورا مبنی بر غیر قابل توجیه بودن تفکیک بین تشکیل دادگاه و رسمیت آن از جهت منطبق حقوقی، مد نظر قرار گرفته است و اشکال آن برطرف شده است.

### نظر شورای نگهبان

ماده (۲۱)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

---

ماده (۳۰) به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۳۰- ماده (۴۲۶) قانون به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۴۲۶- دادگاه تجدیدنظر استان مرجع صالح برای رسیدگی به درخواست تجدیدنظر از کلیه آرای غیر قطعی کیفری است، جز در مواردی که در صلاحیت دیوان عالی کشور باشد. دادگاه تجدیدنظر استان در مرکز هر استان تشکیل می‌شود. این دادگاه دارای رئیس و دو مستشار است. دادگاه تجدیدنظر و شعب دیوان عالی کشور با دو عضو نیز رسمیت دارند.

### دیدگاه عدم مغایرت

در این ماده اصلاحی، عبارت «دارای رئیس و دو مستشار است» جایگزین عبارت «با حضور رئیس و دو مستشار تشکیل می‌شود» شده است. بر این اساس، تذکر پیشین شورا مبنی بر غیر قابل توجیه بودن تفکیک بین تشکیل دادگاه و رسمیت آن از جهت منطبق حقوقی، مد نظر قرار گرفته است و بر این اساس، این ماده با ایرادی مواجه نیست.

### نظر شورای نگهبان

ماده (۳۰)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

---

ماده (۳۱) به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۳۱- ماده (۴۲۸) قانون به شرح زیر اصلاح و یک تبصره به آن الحاق می‌شود:

ماده ۴۲۸- ...

تبصره- اجرای این ماده مانع از انجام سایر وظایف نظارتی دیوان عالی کشور به شرح مقرر در اصل یکصد و شصت و یکم (۱۶۱) قانون اساسی نمی‌باشد.

### دیدگاه عدم مغایرت

با عنایت به اینکه مجلس با الحاق یک تبصره به ماده‌ی (۴۲۸) اصلاحی، اجرای حکم مقرر در این ماده مبنی بر صلاحیت رسیدگی فرجامی به برخی از آرای صادره از محاکم را مانع از انجام سایر وظایف نظارتی دیوان عالی کشور نسبت به محاکم که در اصل (۱۶۱) قانون اساسی بدان تصریح شده ندانسته است، ابهام قبلی شورا مبنی بر احتمال محدود شدن وظیفه‌ی نظارتی دیوان عالی کشور نسبت به آرای محاکم در غیر از موارد احصاء شده در این ماده، برطرف شده است. از این رو، این ماده با اشکالی مواجه نیست.

### نظر شورای نگهبان

ماده (۳۱)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

### نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه مجلس در خصوص طرح اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.